

بازتعریف فضاهای باز شهری در اوقات فراغت – مطالعه موردی شهر مشهد

حامد بخشی

چکیده

این مقاله به بازتعریف فضاهای باز شهری در اوقات فراغت در شهر مشهد می پردازد. در یک مطالعه موردی و با استفاده از مطالعه میدانی با تکنیک مشاهده ای، تعریف دوباره این فضاها در جهت استفاده برای پر کردن اوقات فراغت شهروندان مشهدی بررسی می شود. این بازتعریف به ایجاد کارکرد (function) دوگانه این فضاها می انجامد. همچنین استدلال خواهد شد که کمبود یا نبود فضاهای شهری گذران اوقات فراغت متناسب با نیازها و خواسته های هر یک از اقشار و سنخ های اجتماعی در شهر مشهد باعث گردیده مردم شهر به استفاده از فضاهای باز شهری که دارای کارکرد آشکار دیگری هستند روی بیاورند و کمبود فضاهای مدنی و تفریحی شهر را پر کنند. در این تحقیق با مشاهده و توصیف سه فضای شهری اصلی از این نظر - میادین و فضای سبز بلوارها، فضاهای آسفالتی نسبتاً خلوت و بازارهای لباس خاص - به ایجاد کارکردهای پنهان برای هر یک از این فضاها پرداخته می شود. همچنین از این رهگذر در یک دیدگاه انتقادی، به نقش شکاف موجود میان حاکمیت شهری و جامعه به لحاظ ارزشی و دیدگاهی، بر این عدم تعادل میان نیازها و فضاهای شهری متناسب پرداخته می شود.

مقدمه

انسان شهری به حکم وجود انسانی خویش، دارای یک سری نیازهایی است که همانطور که مازلو نشان داده است، به طور سلسله مراتبی ظهور و بروز می یابند (رفیع پور، ۱۳۶۴). ارضای هر دسته از نیازها، انسان را مستعد وجودی دیگر و به دنبال آن دسته دیگری از احساس نیازها می کند. این یک نگاه عمودی به مساله نیاز و ارضای آن است. اما از نگاه افقی نیز می توان به این مساله اینگونه نگریست که در بسیاری از موارد، لوازم و اسباب ارضای یک دسته از نیازها، راه را بر ارضای نیازهای دیگر می بندند و انسان از ارضای

نیازهای دیگر خویش چه در سطح نیازهای ارضاشده و یا بالاتر و پایین تر آن باز می ماند. به عبارت دیگر، وسایلی را که انسان برای ارضای نیازهای خود می آفریند، برای ارضای دیگر نیازها محدودیت ایجاد می کند و یا وسایل و مجراهای ارضای سایر نیازها را سد می کند. انسان شهری یک چنین مساله ای را تجربه می کند. شهرنشینی بدون شک موجب ارضای بهتر، شدیدتر، خالص تر و هموارتر برخی از نیازها شده است و اساساً از نگاهی دیگر می توان گفت انسان به دنبال ارضای بهتر دسته ای از نیازهایش «شهر را می آفریند». اما همین شهر با محدودیت هایی که ایجاد می کند، مانع تحقق و وصول برخی دیگر از نیازهای انسان (که از قضا ممکن است ریشه ای تر و عمیق تر باشند) می شود. یکی از مسایلی که به دنبال شهرنشینی و فعالیت فشرده، زمان مند و منظم ایجاد شد، مساله اوقات فراغت است. شاید بتوان گفت انسان روستایی اوقات فراغت به معنای اخیر آن را نداشته است: زمانی برای «رهایی» و «فراموشی» از کار و ارضای لذات در تعلیق مانده در زمان کار.

همه شهرها در مساله ارضای نیازهای بشری به طور یکسان عمل نمی کنند؛ مسلماً شهرهایی که سیر تکاملی خود را به طور خودجوش و مطابق با نیازهای به تدریج به وجود آمده در همان اقلیم طی کرده اند، با «شهرهای وارداتی» و «مونتاز شده»، در ارضای نیازهای مردم خود یکسان عمل نمی کنند. کشورهای غربی عموماً دارای شهرهایی هستند که در پی فشار نیازهای فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم و نهادهای آن منطقه پیشرفت کرده است. لذا هرچند در بسیاری موارد سرعت گرفتن برخی نهادها به ویژه نهادهای اقتصادی باعث نادیده گرفتن سایر نیازها شده و مشکلاتی در شهرنشینی ایجاد کرده است، ولی در مجموع باز این نیازهای بومی و اقلیمی آن منطقه است که موجب نهادها و ساختارهای شهری گردیده و همخوانی زیادی با نیازهای انسان شهری که در آن مکان زندگی می کند، دارد. در مقابل، کشورهای جهان سوم، هر چند از پیش دارای شهرهایی (نه به معنای مدرن) بوده اند، ولی رشد و پیشرفت شهرها، به ویژه در صد ساله اخیر بیشتر متأثر از نیازهای انسان خارج از آن اقلیم بوده تا نیازهای انسان زیست کننده در آن. استعمار یکی از عواملی بوده که منجر به شکل دهی شهرهای جهان سوم در جهت منافع و خواست های کشورهای استعمار کننده شده است. پس از دوران استعمار کهن و آغاز استقلال کشورها از کشورهای استعمار کننده، روابط استعماری مرکز-پیرامون ابقا و تقویت شد. کالاهایی که به نیازهای جوانه زده در این جوامع مربوط می شدند فشار آوردند و به خاطر فروش این کالاها، با استفاده از تبلیغات، ایجاد مد،

الگوسازی و ... نیازهای مصنوعی ایجاد شد (رفیع پور، ۱۳۷۹). این نیازها که معمولاً بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب نیازی مردم کشورهای جهان سوم صورت می گرفت، باعث به وجود آمدن نهادها و ساختارهایی در این شهرها شد که با رشد طبیعی یک انسان شهری مطابقت نداشت. از این رو است که وقتی وارد منزل یک کارگر روزمزد در حاشیه شهر می شوی، وضعیت اسفناک منزل را می بینی: دیوارها رنگ نداشتند، سقف از دود وسایل گرمایی غیر استاندارد سیاه شده، تنها وسیله گرمایی چراغ خوراک پز، در یخچال معمولاً تعدادی تخم مرغ و بدون نیازهای مسلم خوراکی (شامل گوشت، لبنیات و ..)، پسر خانه دارای زخمی بر سر که نیاز به درمان دارد ... و در کنار این ساختارهای البته تکمیل گر و هم‌نوا با هم، یک ناهم‌نواپی عجیب به چشم می خورد: تلویزیون سامسونگ ۲۵ اینچ جدید و عجیب تر به همراه آن یک DVD player به همراه تعدادی CD و DVD، از همان نوعی که در تبلیغات و بیلبوردها می بینیم!

این ناهم‌نواپی ساختارهای شهری و نیازهای مردم گاهی اوقات به گونه ای است که ساختارهای شهری پدید می آیند که هنوز نیازهایی برای آن در جامعه به وجود نیامده و از این رو بیگانه با این نیازها هستند. در بسیاری موارد در اثر تغییرات فرهنگی رخ داده در مردم، ساختارهای شهری از نیازهای جامعه عقب می مانند و افراد جامعه نمی توانند نیازهای خود را در ساختارهای شهری موجود ارضا کنند. البته جامعه در این مرحله متوقف و منفعل نمی ماند و دست به اقداماتی می زند: ایجاد فشار برای تولید ساختارهای مناسب، مهاجرت، و بازتعریف ساختارهای موجود و یا استفاده دوگانه از آن در جهت نیازهای خود.

این جستار به تقاطع دو مفهوم تعریف شده در بالا - اوقات فراغت و بازتعریف فضاهای شهری - با استفاده از مطالعه بر روی مورد شهر مشهد می پردازد. تلاش بر آن است که این دو مفهوم مورد بررسی قرار گرفته و مصادیق بارز آن در شهر مشهد نشان داده شود.

انسان و نیازهای فطری زندگی

انسان نیازهایی فطری دارد که به دلیل آنکه همراه با سرشت او هستند، همواره پایدارند. البته ممکن است پاره ای نیازهای فطری، تحت الشعاع سایر نیازها قرار گیرند و به طور موقت فراموش شوند، ولی این نیازها از بین نمی روند و در ناخودآگاه فرد به او برای ارضا فشار می آورند.

همچنین نیازهای فطری می‌توانند در اشکال و سطوح متفاوتی ارضا شوند؛ اشکال متفاوت ارضا بسته به فرهنگ های اقوام و اقلیم ها متفاوت است. چنانچه نحوه ارضای غریزه جنسی می‌تواند بسته به فرهنگ های مختلف با آداب و رسوم و نیز اشکال متفاوتی همراه باشد. به علاوه، سطوح ارضای نیازهای فطری نیز بسته به تاکیدى که فرهنگ یک جامعه بر آن نیاز می‌گذارد، متفاوت خواهد بود. در یک تقسیم بندی دوگانه اولیه، می‌توان به تاکیدى که جوامع بر نیازهای معنوی یا مادی خود می‌گذارند و به تبع، سطوح ارضای آن نیازها اشاره کرد.

نیازهای فطری خود نیز دارای سلسله مراتب هستند. برخی بسیار عمیق‌ترند و بعضی دیگر سطحی‌تر هستند. همچنین است برخی احساس نیازهای دیگر انسان، نظیر زندگی در فضایی دشت‌مانند نیز عمری همراه با خروج انسان از جنگل و اوایل زیست انسان هوشمند در کره خاکی دارد. از این رو تمایل فطری شکل گرفته در او، زیست در فضاهایی سرسبز با درختانی تنک است. برای مدت‌هایی مدید انسان‌ها روز خود را با طلوع آفتاب شروع می‌کرده‌اند و پاسی پس از تاریکی هوا که دیگر امکان فعالیت وجود نداشت، به خواب می‌رفته‌اند. همچنین فضای مسقف که خانه نامیده می‌شود، بیشتر به عنوان سرپناه به کار می‌رفته تا مکانی که تمام یا اکثر اوقات خویش را در آن بگذرانند. انسان‌ها در روشنائی روز بیرون از این فضای مسقف می‌زیسته‌اند، فضایی باز برای تحرک، هوایی آزاد برای تنفس و روابط اجتماعی رودررو داشته‌اند، به فعالیت بدنی می‌پرداخته‌اند و خود را در پرتو حمایت یا دشمنی وجودات ماورایی (خدا یا خدایان، فرشتگان و شیاطین و ...) می‌دانسته‌اند. آنها با مجموعه‌ای از باورها و محیط‌های اجتماعی و زیستی زندگی کرده‌اند و این مدت مدید باعث گردیده که انس با آنها جزوی از فطریات بشری - ولو در سطوح نازل تر - گردد.

نیاز به انطباق هر چه بهتر و بیشتر با محیط - که شاید اصلی‌ترین و ریشه‌دارترین نیاز فطری در انسان و بلکه حیات باشد - انسان را به سوی شهر سوق داد. آنچه آسایش یا احساس راحتی خوانده می‌شود، هنگامی میسر و حاضر می‌شود که انسان به بهترین و کامل‌ترین انطباق با محیط و در عبارتی فلسفی‌تر با هستی دست یافته باشد. این انطباق، گستره‌ای از بیرونی‌ترین و سطحی‌ترین وجوه تماس انسان با محیط تا عمیق‌ترین و ریشه‌دارترین زوایای اتصال او با هستی را شامل می‌شود.

انسان موجودی اجتماعی یا به اصطلاح «مدنی^۱ بالطبع» است. به یک معنا بهترین نحوه زیست و انطباق او با محیط و با نحوه آفرینش و خلقت او، در سایه زیست اجتماعی است. او در سایه این اجتماعی

بودن به تدریج آموخته است که با تقسیم کارها و به عهده گذاری ارضای نیازهای مختلف به گروه ها یا افراد مختلف، می تواند با کیفیت بهتری آن نیازها را ارضا کند. به عبارت دیگر تخصصی شدن کارها موجب بالارفتن کیفیت کارها می شود و از این رو سپردن ارضای یک نیاز خاص به طور تخصصی به شخص یا اشخاص مشخص، باعث می شود که آن نیاز با کیفیت بهتری ارضا گردد. بر خلاف نظر اقتصاددانان کلاسیک که تخصصی شدن یا تقسیم کار را انتخابی عقلانی در سیر تکاملی بشر برای انطباق بهتر با محیط می دانند، دورکیم تقسیم کار را امری ماقبل چنین انتخاب عقلانی و در پی پیدایش فرد یا تفرد می داند. به استدلال او، پیدایش فرد موجب پیدایش تفاوت یا شناخت و اشعار به تفاوت میان افراد گونه انسانی بود و همین امر ذهنیت تقسیم کار را در انسان ها به وجود آورد (دورکیم، ۱۳۸۱). همچنین از یک دیدگاه جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی، تقسیم کار مولود این امر است که انسان قادر شد برای طولانی مدت و پایدار محصولات غذایی مازاد بر نیاز خود و خانواده خود تولید کند. این مازاد امکان آن را به وجود آورد که همه افراد به طور مشترک به دنبال تولید غذا نروند و عده ای در مقابل دریافت مازاد غذایی تولید کننده غذا (کشاورز، دامدار، صیاد) به انجام تخصصی امور مورد نیاز آنان (تولید لباس، کفش، ابزار و ...) بپردازند. به هر حال، نحوه پیدایش تقسیم کار و تخصصی شدن آن را هر چه بدانیم، مطابق نظر مارکس این تقسیم و تخصصی شدن کار سنگ بنای از خود بیگانگی^۱ انسان را گذاشت و انسان از تامیت و کلیت خود تنزل کرد (مارکس، ۱۳۸۲). به بیان دیگر، ارضای بهتر و شدیدتر دسته‌ای از نیازها، باعث عدم ارضای برخی نیازهای شاید پایه ای تر انسان گردید: ادراک کامل خود به عنوان یک انسان خلاق یا رجوع به وجه انسانی خود - به بیان مارکس: کار.

زندگی شهری از تقسیم کار به وجود آمده است و رهایی از فعالیت مستقیم برای تولید خوراک. تشدید تقسیم کار موجب شد تا افرادی که فعالیت یکسانی دارند بیش از پیش به یکدیگر در زمینه کاری خود نزدیک شوند و از دیگران فاصله بگیرند. همچنین چنانکه انسجام ارگانیک دورکیم گویای آن است، این تقسیم کار در کنار جدایی اجزای مختلف اجتماعی از یکدیگر، وابستگی متقابل آنها به هم را نیز ایجاد کرده است. از این رو برای افزایش بهره‌وری و باز هم ارضای با کیفیت بیشتر نیازهایی که برای آنها ایجاد شده‌اند، انسانهای شهری هر چه بیشتر به طور فیزیکی به هم نزدیک شدند و تراکم جمعیتی فضای شهری بالا

^۱ alienation

گرفت؛ ولی این چنین تراکمی در کنار تشدید ارضای نیازهای افراد جامعه با آنچه طبع بشر برای هزاران سال با آن انس گرفته بود همخوانی ندارد.

کمبود فضاهای زندگی در شهر

شهرها به دلیل تراکم جمعیتی و تقاضا دائما روز افزون برای افزایش این تراکم، با کمبود فضاهای زندگی مواجه هستند. به ویژه، شهرهای نوین که برای بالا بردن امکان جای دهی جمعیت باز هم بیشتر به تراکم عمودی جمعیت در آپارتمان‌ها و آسمان خراش‌ها دست زده‌اند، به طور روز افزونی از فضاهای زندگی مطلوب بشری می‌کاهند و این مکانها را تبدیل به مکانهای اقامتی، تجاری و ... می‌کنند. مارک آبراهامسون (۲۰۰۴) گزارش می‌دهد که چگونه به علت کمبود زمین برای پارکینگ اتومبیل‌های دائما افزایش یابنده ساکنان شهر، چمن کاری‌های روبروی منازل در مناطق حومه ای شهر توسط مالکان آسفالت شده و به مکان پارکینگ اتومبیل اختصاص داده شده است. همچنین، به دلیل تضاد اهداف بخش‌های تجاری شهر (امنیت و استفاده تجاری از فضا) با اهداف ساکنان شهر (قدم زدن در فضاهای سبز شهری) و قدرت بیشتر بخش تجاری، کاربری بسیاری از مناطقی که می‌توانسته تبدیل به فضای سبز عمومی و پارک شود، تغییر کرده و به فضاهای تجاری تبدیل شده است. تمرکز سنگین اطراف بخش تجاری شهر که مرکزیت مشاغل شهری را نیز در پی دارد، بسیاری را بر آن می‌دارد که تا آنجا که می‌توانند در نزدیکی این مرکز اقامت گزینند، آنهایی که به حومه شهر می‌روند، باز پس از کوتاه مدتی آن مکان را نیز با تراکم جمعیتی وسیع می‌یابند، هر چند فضاهای باز شهری در این مناطق بیشتر است. این وضعیت عمومی شهرهای پیشرفته امروزی است که هر چه بیشتر تبدیل به مرکزیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... می‌شوند.

اما در شهرهای جهان سوم، علاوه بر دلایل فوق چنانکه گفته شد عدم تطابق ساختارها با نیازهای بالفعل مردم نیز بر مشکل می‌افزاید. در بسیاری موارد به خاطر عدم بودجه یا شناخت نیاز، ساختارهای مورد نیاز مردم ایجاد نمی‌شود و فضاهای زندگی به صورت کور و با هجوم مردم به صورت انبوه تبدیل به نقاط مسکونی می‌شود. مساله حاشیه نشینی که از هجوم مردم روستاهای اطراف به حاشیه شهرها و خانه سازی انبوه، متراکم و افقی در این مناطق ساخته می‌شود، به شدت مساله کمبود فضاهای زندگی را نشان می‌دهد که به همین خاطر به همراه خود ناهنجاریهای مربوطه را نیز می‌آورد. فضاهای ورزشی - تفریحی،

مکانهای بازی، فضاهای سبز، و دیگر فضاهای عمومی دیگر به ویژه در این مناطق به دلیل عدم توجه مسوولین شهری وجود ندارد.

کار و اوقات فراغت

اوقات فراغت^۲ به معنای امروزی، یک پدیده نوین به حساب می آید. کلمه *leisure* از واژه لاتینی *licere* به معنای اجازه داشتن و آزاد بودن مشتق شده است که از طریق کلمه فرانسوی قدیمی *leisir* اولین بار در اوایل قرن ۱۴ میلادی ظهور یافت. مفاهیم فراغت^۳ و اوقات فراغت ظاهراً در بریتانیای عصر ویکتوریا در اواخر قرن نوزده و اواخر انقلاب صنعتی پدیدار شد. کارخانه های قدیمی نیازمند آن بودند که کارگران زمان های طولانی که اغلب به ۱۸ ساعت در روز می رسید، کار کنند، در حالیکه تنها یکشنبه ها کار تعطیل بود. در دهه ۱۸۷۰ افزایش بهره‌وری استفاده از ماشین و ظهور اصناف کاری منجر به کاهش ساعات کار در روز شد و به صنعتکاران اجازه داده شد تا کارگزارانشان را علاوه بر یکشنبه ها، شنبه ها را هم تعطیل کنند. حمل و نقل آسان و قابل اطمینان در قالب خطوط راه آهن به کارگران اجازه داد تا در روزهای تعطیلی خود به مسافرت بروند و اولین بسته های تعطیلات کنار دریا در دهه ۱۸۷۰ پدید آمد. این رویکرد در سایر جوامع صنعتی در اروپا و آمریکای شمالی انتشار یافت. با صرف دستمزدها در فعالیت های اوقات فراغت توسط کارگران، صنعت نوین تفریحات در کشورهای صنعتی به وجود آمد که کارگران را در روزهای تعطیلات تغذیه می کرد. این مفهوم ویکتوریایی – آخر هفته – جلودار آغاز اوقات فراغت در معنای امروزی آن است (wikipedia encyclopedia).

اوقات فراغت و فعالیت های مربوط به آن، امروزه از تقسیم ساعات زندگی به ساعات کاری و اوقات فراغت تشکیل شده است. برای اینکه فعالیتی امری مربوط به اوقات فراغت تلقی شود بایستی سه ویژگی داشته باشد: (۱) آن فعالیت باید با حال و حوصله انجام شود، (۲) بایستی داوطلبانه و از روی میل باشد، و (۳) بایستی ماهیتاً شایستگی برانگیختن آدمی را به سوی آن داشته باشد (Neulinger, 1981).

نیازهای اوقات فراغت

² Leisure time

³ leisure

فشار کار و دوری از محیط های زندگی طبیعی در شهرها و به ویژه در فضاهای کاری نظیر کارخانه ها و ادارات، نیازی برای صرف اوقات فراغت در فضاهای باز ایجاد کرده است. همچنین اشتغال ذهنی فشرده زمان کاری، نیازمند فعالیت هایی شده تا ذهن آدمی به مسایلی دیگر معطوف شود؛ از این رو برنامه های سرگرمی نظیر سینما، موسیقی و ... در اوقات فراغت مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین فعالیت های بدنی محدود در زمان کار، به ویژه در طبقه یقه سفید نیاز به اشتغال به فعالیت های ورزشی را در اوقات فراغت ایجاد نموده است.

به طور کلی، هر فرد و طبقه ای با توجه به کمبودی که در زمان کاری خود در زمینه نیازهای فطری اش احساس می کند، به فراغتی خاص روی می آورد، عدم فعالیت بدنی، سوق دهنده فرد در اوقات فراغت به سوی فعالیت ها و ورزش های بدنی نظیر گلف، فوتبال و ... است. بر عکس، افرادی که در طول هفته یا در طول زمان کاری خود بیشتر فعالیت های بدنی دارند، ترجیح می دهند اوقات فراغت خود را به فعالیت های دیداری و شنیداری و یا اعمال فراغتی که همراه با فعالیت های سنگین نیست بگذرانند. افرادی که در آپارتمانها و منازل مسکونی کوچک زندگی می کنند، در اوقات فراغت خود بیشتر مایلند که به فضاهای وسیع، سرسبز و باز بروند، در حالیکه قشر مرفهی که دارای منازل مسکونی وسیع (همراه با درختان) هستند، کمتر اینگونه تفریحات را می پسندند و بیشتر میهمانی های خصوصی را برای اوقات فراغت خود ترجیح می دهند.

نقش فرهنگ و محیط در شکل دهی اوقات فراغت

چنانچه در پیش توضیح داده شد، هر چند نیازهای فطری همواره وجود دارند، ولی فرهنگ یک جامعه می تواند در ظهور و بروز آنها و یا کمون و پنهان ساختن آنها نقش بازی کند. فرهنگ می تواند بر برخی از نیازها تاکید بیشتری کند و برخی دیگر را نادیده انگارد. علاوه بر آن، در شکل دهی نحوه ارضای نیازهای فطری نقش مسلمی را ایفا می کند.

اوقات فراغت نیز بر حسب فرهنگ جوامع، اقوام و یا حتی یک شهر، محله یا طبقه اجتماعی می تواند تغییر کند. البته نادیده نباید داشت که شرایط محیطی و دسترسی های جامعه نیز بر فرهنگ جامعه و شکل دهی اوقات فراغت تاثیر می گذارند. برخی ویژگی های اقلیمی، امکانات بالقوه موثری برای اوقات فراغت به شمار می روند. وجود دشت، کوه، دریاچه یا دیگر آبهای روان یا راک وسیع، می توانند جاذب مردم

برای گذران اوقات فراغت باشند. معمولاً در این مناطق زمینه‌های دیگر گذران اوقات فراغت نظیر شهرهای بازی، امکانات تفریحی و ... شکل می‌گیرد. شهرهایی که به آبهای جاری یا وسیع (نظیر برکه، دریاچه، آبگیر و ...) دسترسی دارند، معمولاً آن مناطق را تبدیل به یکی از مکان‌های اوقات فراغت مهم می‌کنند. مناطقی که دسترسی به این ویژگیهای جغرافیایی ندارند، معمولاً بر روی ایجاد مصنوعی چنین مکان‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند. ایجاد پارک‌ها و دیگر فضاهای سبز، توسعه امکانات تفریحی نظیر کلوپ‌های شبانه، بارها، سالن‌های بولینگ و بلیارد، میادین ورزشی، رستورانهای غذاهای سنتی و غذای سریع، سینماها و تئاترها و نظایر آن تسهیلاتی هستند که می‌توانند جایگزین این امکانات طبیعی شوند.

وضعیت فرهنگی و محیطی اوقات فراغت در مشهد

وضعیت جغرافیایی

مشهد به لحاظ جغرافیایی سرزمینی کوهپایه‌ای است که از جنوب به کوه‌های بینالود و از شمال به رشته‌کوه‌های هزارمسجد منتهی می‌شود. کوه‌های نزدیک مشهد بیشتر کوه‌های رشته‌کوه بینالود هستند که عمدتاً از جنس خاکی و تپه‌مانند هستند و فاصله تا کوه‌های هزارمسجد از مشهد طولانی است. به علت آب و هوای خشک مشهد و کمبود بارندگی به ویژه در سمت کوه‌های بینالود که مجاور شهر مشهد هستند، این کوه‌های عمدتاً عاری از هرگونه رویش گیاهی نرم هستند؛ همچنین عدم وجود رودخانه‌گذرنده از میان این کوه‌ها، باعث گرمای سوزنده در تابستان و سرمای شدید در زمستان شده است. از این رو، معمولاً این کوه‌ها نتوانسته‌اند جاذبه‌چندانی برای گذران اوقات فراغت در شهر مشهد ایجاد کنند. از سوی دیگر مدیریت شهری مشهد نیز تاکنون موفق به ایجاد فضاهای سبز مصنوعی در این منطقه نشده است و پارک قابل توجهی نیز در اطراف کوه‌های مذکور وجود ندارد.

تفرجگاه‌ها

از نظر پتانسیل‌های آبی نیز دو سد کارده و طرق در اطراف مشهد وجود دارد که به عنوان جاذبه‌های اوقات فراغت عمل می‌کنند؛ علاوه بر آن «بند گلستان» در نزدیکی مشهد به عنوان یک جاذبه بالقوه برای جذب افراد در اوقات فراغت عمل می‌کند. تفرجگاه‌هایی نیز در سمت جنوب غربی مشهد در بیلاقتات طرهبه، شاندیز، کنگ، زشک دارای رودخانه‌هایی کوچک و نیز در سمت شمال شرقی نظیر اخلمد و

گلمکان وجود دارد که به ویژه در اخلمد آبشار زیبایی وجود دارد. با این حال، نکته قابل توجه در تمامی این پتانسیل های آبی، عدم رسیدگی و توجه دولت به آنها برای تبدیل به یک مکان مناسب گذران اوقات فراغت مشهود است.

در اطراف سدهای کارده و طرق نیز اساسا جایی برای گذران اوقات فراغت در نظر گرفته نشده است و صرفا به جهت وجود منابع آبی و سرسبزی اندکی که در آنجا وجود دارد مورد توجه ساکنان مشهدی قرار گرفته است. همچنین، ییلاقات جنوب غربی مشهد معمولا به عنوان باغ هایی در دست ساکنان محلی این مناطق موجود است و هجوم مردم به این مناطق با واکنش های متفاوت محلی ها، از بستن جاده و عدم اجازه تردد شهروندان مشهد به این مناطق تا اجازه اسکان محدود و گرفتن مبلغی از آنان به ویژه توسط مالکان مسن تر مواجه است.

مورد طرqbه

در مناطق ییلاقی طرqbه و شاندیز، رستوران های زیادی ساخته شده اند که تخت و غذا به مراجعه کنندگان ارائه می کنند. طرqbه و به دنبال آن جاغرق، به ویژه مهمترین و پر جمعیت ترین منطقه اوقات فراغت شهروندان مشهد را تشکیل می دهد. با این حال، این منطقه تقریبا عاری از امکانات پیاده روی یا سایر تفریحات ورزشی - سرگرمی است. اخیرا بازار طرqbه به این مجموعه افزوده شده که امکاناتی برای خرید ارائه می دهد. همچنین در این راستا، یک پارک آبی، مجموعه تفریحی سحاب و چند منطقه تفرجگاهی دیگر وجود دارد.

مورد بند گلستان

بند گلستان در جاده فرعی سمت چپ مسیر مشهد به طرqbه قرار دارد. قدمت این بند شاید به بیش از ۱۰۰ سال می رسد و دارای معماری زیبا با استفاده از آجر می باشد. در زیر بند طاق هایی تعبیه شده است که نظیر طاق نماهای کاروانسراها قابلیت ارائه خدمات تفریحی را دارد، ولی به علت بی توجهی مسؤولین شهری تبدیل به پناهگاه معتادان و ولگردان شده است. محوطه این بند تقریبا بدون هیچ رسیدگی، در زمینی خاکی توسط افراد محلی ارائه دهنده برخی خدمات نظیر خرده فروشی های دوره گرد

و امکانات قایقرانی محدود در منطقه آبی این بند است. فضای سبز اطراف بند نیز دارای درختان نسبتاً بلندی است که به علت وجود سایه از سوی مردم مشهد به عنوان تفرجگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مورد اخلمد

شاید چشمگیرترین پتانسیل آبی اطراف مشهد مربوط به آبشار اخلمد است که در ۶۰ کیلومتری این شهر، در مسیر جاده مشهد - قوچان واقع است. این منطقه نیز به دلیل اینکه خارج از محدوده نظارتی شهر قرار دارد، امکان مدیریت آن از طرف شهرداری مشهد وجود ندارد، با این حال، استانداری یا بخش مربوطه نیز اقدام اساسی‌یی جهت استفاده از این پتانسیل کم نظیر نکرده‌اند. به این منطقه از جاده ای فرعی در سمت چپ مسیر بزرگراه مشهد - قوچان می‌توان رسید. عدم وجود پارکینگ‌های مناسب برای اتومبیل‌ها و استقبال زیاد مراجعه کنندگان، محلی‌ها را واداشته تا با تبدیل برخی از زمین‌های خود به پارکینگ‌های خاکی و اخذ وجه از مراجعه کنندگان به ارائه این گونه خدمات بپردازند. بدیهی است امکانات این پارکینگ‌ها در حداقل می‌باشد. حتی برخی از محلی‌ها فضاهای اندک مقابل مغازه‌ها یا منازل خود را به عنوان پارکینگ اتومبیل به اجاره می‌دهند. از ابتدای توقف اتومبیل‌ها تا اولین آبشار، در مسیر رودخانه جاری از آن حدود یک کیلومتر راه است. در کنار این رودخانه مسیری مالرو وجود دارد که عرض متوسط آن کمتر از یک متر است. با این حال همین مسیر هم تا آبشار پیوسته نیست و مسافران هرچند هم که لجوج باشند، بالاخره در بخشی از مسیر بایستی لبه‌های شلوار خود را بالا بزنند و از آب رودخانه که معمولاً عمق کمی در حدود ۵،۰ متر دارد عبور کنند. در مکان آبشار تسهیلات اندکی، آن هم به صورت بومی به فروش برخی مواد غذایی و خرده فروشی وجود دارد. تنها سرویس بهداشتی مجاور آبشار، مورد استفاده تفرج کنندگان قرار می‌گیرد که البته به لحاظ بهداشتی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. از این آبشار می‌توان به آبشارهای بعدی آن رسید که البته مسیر همچنان به صورتی است که گفته شد و در بعد از آبشار اول، دیگر هیچ گونه مراکز ارائه دهنده تسهیلات خوراکی، تفریحی و ... وجود ندارد.

تاسیسات اوقات فراغت

دو پارک شهربازی عمده، یکی واقع در پارک ملت و دیگری بر روی کوهی در منطقه ییلاقی وکیل آباد، کل تاسیسات برقی بازی کودکان را تشکیل می‌دهد. سینماهای شهر مشهد به هفت سینمای فعال محدود می‌شود (آمارنامه شهر مشهد، ۱۳۸۴) و سالن‌های تئاتر معروفی در مشهد وجود ندارد. در مجموع،

برای جمعیت شهر مشهد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۱۸۸۷۴۱۴ نفر جمعیت دارد، کل ظرفیت سینماهای شهر، ۵۳۰۲ صندلی است که به طور متوسط برای هر ۳۵۶ نفر یک صندلی وجود دارد.^۴

پارک های وسیع دارای فضای سبز در مشهد عبارتند از: پارک ملت و کوهسنگی به همراه سه پارک جنگلی وکیل آباد، بحرآباد(بوستان قائم) و نهالستان در شمال و جنوب مشهد. مجموع مساحت پارک های فضای سبز شهر مشهد(پارک های بزرگ به علاوه پارک های کوچک محلات) ۵۰۹۱۰،۰۰۷ است که به طور متوسط برای هر شهروند ۰،۳۲ مترمربع فضای سبز موجود است.

در شهر مشهد نزدیک به ده استخر شنای سرپوشیده و سرباز و ۱۳ مجموعه ورزشی جمعا با ظرفیت ۲۰۴۶۲ نفر وجود دارد. اخیرا تعداد روبه رشدی از سالن های بلیارد در مشهد احداث شده اند که آمار دقیقی از آنها به دست نیامد.

نمایشگاه ها در مشهد یکی دیگر از تسهیلات اوقات فراغت را تشکیل می دهند. تقریبا تمامی نمایشگاه های مهم در مکان نمایشگاه بین المللی مشهد برپا می شوند. در سال ۱۳۸۴، ۳۳ نمایشگاه در این مکان برپا شده است(همان).

کمبود فرصت های اوقات فراغت و بازتعریف و استفاده دوگانه از فضاها

چنانچه از آمار و توصیف پتانسیل های شهر مشهد برای گذران اوقات فراغت بر می آید، این فضاها به هیچ عنوان جوابگوی نیازهای مردم مشهد نیست. برخی از این فضاها مورد استفاده اقشار با درآمد بیشتر قرار می گیرد و طبقات پایین از آن به طور نسبی بی نصیب هستند. به علاوه، به دلیل عدم سرمایه گذاری و رسیدگی به منابع طبیعی اوقات فراغت، امکان استفاده از تمام ظرفیت این مکان ها وجود ندارد. در این شرایط، یک راه جبران این کمبود فرصت های اوقات فراغت، بازتعریف یا استفاده دوگانه از فضاهای شهری است. در این شیوه، فضاهای شهری که ابتدائا به منظور و نیت دیگری توسط مدیریت شهری مشهد احداث شده اند، از سوی شهروندان بازتعریف می شود و آن ها را با کاربری دیگری تعریف می کنند. در بسیاری موارد نیز، با حفظ تعریف اصلی فضاهای شهری، این فضا مورد استفاده جانبی برای گذران اوقات فراغت قرار می گیرد که البته باز هم در دل خود گونه ای بازتعریف از یک فضای یک منظوره به چند منظوره را

^۴ البته آمار جمعیت مشهد مربوط به سال ۱۳۷۵ است که مسلما در سال ۱۳۸۵ افزایش قابل توجهی یافته است، لیکن دسترسی به آمار سرشماری ۱۳۸۵ برای نگارنده مقدور نشد.

داراست. گاهی اوقات، به دلیل عدم وجود فضاهای کافی برای گذران اوقات فراغت در مسیرهایی خاص، فضاهای موجود مورد استفاده دیگر قرار می‌گیرد که به دلیل اینکه از این استفاده ثانویه سوی اقلیتی صورت می‌گیرد و معمولا مورد تایید و قبول جامعه یا دولت نیست، بازتعریفی صورت نمی‌گیرد و با این استفاده مبارزه می‌شود. برای نمونه، عدم وجود پیست های اتومبیل رانی و موتورسواری و نیاز برخی جوانان برای استفاده از اتومبیل یا موتور در اوقات فراغت، باعث گردیده تا برخی خیابان ها و بلوارهای نسبتا خلوت شهری، به عنوان پیست مورد استفاده قرار گیرد. به ویژه در روزهای تعطیل، خانواده هایی که سوار بر اتومبیل از بلوار وکیل آباد مشهد عبور می کردند، جوانانی را می یافتند که ظاهرا مربوط به قشر متوسط پایین یا پایین جامعه بوده و با موتورهای خود حرکت های آکروباتیک انجام می دادند. این حرکات البته موجب ترس اتومبیل سواران می شد، چرا که هر آن ممکن بود موتوری واژگون شود و با اتومبیلی تصادم کند. درحال حاضر، به علت شلوغ تر شدن بلوار، تقریبا چنین استفاده ای از آن نمی شود و موتورسواران به مناطق جدیدتر و با کنترل کمتر کوچ کرده اند. برخی خیابانهای عریض و خلوت شهر نیز از سوی جوانان قشر متوسط بالا و بالا به عنوان پیست اتومبیل رانی قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه، خیابان فرهاد در مشهد، مورد چنین استفاده دوگانه ای قرار می گرفت. این خیابان به علت عریض و مستقیم بودن آن محل کورس گذاشتن اتومبیل های جوانان بالاشهری قرار گرفته بود. البته به دلیل مسکونی بودن این مکان، مردم منطقه از این کار راضی نبودند؛ به تدریج در بسیاری بخش های خیابان سرعت گیرهایی نصب شد و در حال حاضر در این خیابان با سرعت بیش از ۴۰ کیلومتر بر ساعت نمی توان تردد کرد.

سه نمونه از بازتعریف فضاهای باز شهری برای استفاده در اوقات فراغت

در اینجا، به سه نمونه بارزتر از بازتعریف فضاهای باز شهری برای استفاده در اوقات فراغت اشاره می‌گردد. این بازتعریف ها همواره مورد اعتراض و مقابله دولت شهری و بعضا مردم منطقه یا شهر بوده است، لیکن به دلیل غلبه استفاده از آنها، امروزه تقریبا امری پذیرفته شده تلقی می‌شود.

مورد اول به استفاده مردم از فضای سبز شهری مربوط می‌شود. چنانچه در پیش توصیف گردید، شهر مشهد فاقد کوه های جذاب برای استفاده در اوقات فراغت است. همچنین ییلاقات اطراف مشهد، علاوه بر محدودیت های استفاده از آنها، برخی بسیار دورتر از آنی هستند که مردم طبقه کارگر بتوانند بعدازظهر جمعه خود را در آنجا بگذرانند. آبشار اخلمد حدود ۶۰ کیلومتر از مشهد دور است و گذشته از بعد مسافت،

برای افراد طبقه پایین که معمولا فاقد وسیله نقلیه هستند و تنها یک روز را برای گذران اوقات فراغت فرصت دارند، مکان مطلوبی تلقی نمی‌شود. بخش‌های سرسبز ییلاق طبقه نیز تماما مورد استفاده شخصی قرار گرفته و استفاده از آن برای عموم به رستورانهای آنجا محدود شده است که مسلما برای طبقه پایین چندان امکان‌پذیر نیست. سایر فضاهای ییلاقی اطراف مشهد نیز کم و بیش از به همین وضعیت دچار هستند. از این رو، راه حلی که از سوی مردم به ویژه طبقه پایین و متوسط پایین اتخاذ شده، تغییر کاربری یا بازتعریف فضاهای سبز بلوارها و میادین برای استفاده ییلاقی و تفرجگاهی در روزهای تعطیل است. این فضاهای چمن‌کاری شده، مکانی برای خانواده‌های طبقات متوسط و پایین شده که با استفاده از وانت بار یا ماشین عمومی، زیرانداز، خوردنی و دیگر وسایل چای و نظایر آن را با خود می‌برند و به ویژه در ساعتی از بعد از ظهر که هوا خنک تر و تابش خورشید کمتر است، در آن مکان‌ها اقامت می‌گزینند.

مورد دوم، استفاده از فضاهای آسفالت‌شده شهری به عنوان میادین ورزشی، به ویژه فوتبال است. در کمبود فضاهای ورزشی و هزینه بر بودن استفاده از مکانهای سرپوشیده و بعضا سرباز ورزشی، کوچه‌ها و خیابان‌های خلوت آسفالت‌شده به عنوان مکانهای ورزشی بازتعریف و مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای نمونه، می‌توان از منطقه آسفالت‌شده محوطه ایستگاه راه آهن مشهد نام برد. در این محوطه مکان نسبتا وسیعی وجود دارد که برای تردد مسافران، وسایل نقلیه و اتوبوس‌ها و پارکینگ اتومبیل‌های شخصی آسفالت شده است. بخشی از این منطقه که کمتر مورد تردد مسافران است، به عنوان زمین فوتبال توسط جوانان و نوجوانان محلی آن منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد و تقریبا اکثر روزهای تعطیل در آنجا بازی فوتبال رایج است. در کوچه‌های مناطق متوسط پایین و به ویژه پایین شهر هم تقریبا بازی فوتبال امر رایجی است. با این حال، این مساله در مناطق شمال شهر با تقریب نسبتا خوبی به چشم نمی‌خورد. در منطقه بلوار سجاد که از مناطق شمال شهر مشهد محسوب می‌شود، در هیچ کوچه و خیابانی، بازی‌های خیابانی مانند فوتبال محله‌ای به چشم نمی‌خورد و این گونه بازی‌ها به میادین ورزشی آن منطقه - که در وضع خوبی وجود دارد- واگذار شده است. همچنین بازیهای ورزشی، از فوتبال که بیشتر در مناطق پایین شهر بازی می‌شود، به ورزش‌هایی نظیر والیبال، بسکتبال و تنیس تغییر شکل می‌دهند. انتهای کوچه‌ها برای جلوگیری از تردد خودروهای غیربومی کور شده است و لذا تنها توسط مالکان منازل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مورد آخر، به استفاده از مکان های خرید عمومی و به ویژه بوتیک های لباس و اشیاء فانتزی برای برقراری ارتباط با جنس مخالف و دوست یابی های جنسی مربوط است. در غیاب مطلق مکان های رسمی و شناخته شده برای برقراری چنین گفتگوها، دوست یابی ها و ارتباطات (نظیر کلوپ ها، بارها و نظایر آن) مکان های عمومی نسبتاً شلوغ که می تواند به منظور پرسه زنی و نه لزوماً خرید، نگاه کردن ویتترین ها و ... مورد تردد باشد، از سوی جوانان از هر دو جنس برای برقراری ارتباط های تفننی باز تعریف شده و به کار می رود. بر خلاف دو مورد پیش که تا حد زیادی مورد مدارا و پذیرش حاکمیت شهری و ملی قرار گرفته است، مورد اخیر پذیرش اجتماعی و حکومتی اندکی دارد. به لحاظ اجتماعی بازتعریف صورت گرفته توسط اقلیت (به لحاظ قدرت و نفوذ) جوان شهر، مورد تایید نسل پیشین و والدین آنها نمی باشد. حکومت نیز همانطور که مشروعیت وجود مکان هایی برای برقراری چنین روابطی را قبول ندارد، به طریق اولی استفاده از مکان های عمومی برای این منظور را نیز قابل پذیرش نمی داند. با این حال، به علت کثرت تعداد جوانان استفاده کننده از این فضاها، این مناطق به عنوان فضاهای این چنینی شناخته شده و کنترل حکومتی در این مناطق بیشتر و آشکار تر است. بارزترین این فضاها در شهر مشهد، حاشیه بلوار سجاد (از چهار راه بهار تا نزدیکی انتهای بلوار) که دارای پاساژها و بوتیک های لباس، لوازم آرایشی، لوازم لوکس منزل و ... است، حاشیه خیابان راهنمایی (از سه راه راهنمایی تا چهار راه راهنمایی) و نیز حد فاصل میدان طالقانی (احمدآباد) تا سه راه راهنمایی می باشد، که مملو از بوتیک های لباس، مانتو و مغازه های طلافروشی است.

مطالعه موردی خیابان راهنمایی

خیابان راهنمایی که در یک دهه پیش محل سکناى طبقه متوسط و متوسط پایین شهر بود، همراه با تخریب منازل ویلایی قدیمی و ساخت ساختمان های ۴ طبقه، شروع به تغییر بافت کرد. به تدریج با تغییر کاربری مغازه ها و منازل داخل کوچه که نزدیک به حاشیه خیابان بودند و حتی طبقه دوم منازل حاشیه خیابان به فروشگاه ها و شرکت های عرضه کننده سیستم های کامپیوتر شخصی و اینترنت، تردد جوانان که بیشتر مشتری این گونه کالا هستند به این منطقه بیشتر شد. حضور جوانان در منطقه، موقعیت مناسبی برای ارائه کالاهای جوان پسند تر بود؛ از این رو تعدادی از مغازه ها تبدیل به فروشگاه های عطر، عروسک و اجناس کوچک فانتزی شدند. این آزمایش، پاسخ مثبتی از سوی جوانان دریافت کرد و باعث افزایش بیشتر

حضور و تردد جوانان طبقه متوسط و متوسط بالای شهر به این خیابان گردید. به تدریج برخی دیگر از مغازه ها، به بوتیک های لباس تغییر کاربری دادند که این امر موجب تشدید تردد جوانان برای خرید و تماشای ویتترین مغازه ها، و همزمان تردد و حضور برای برقراری ارتباط های تفننی شد. سیل تغییر کاربری مغازه ها به بوتیک های لباس و مانند به قدری شدید بود که به سرعت فروشگاه های خواربار و مواد غذایی و حتی شرکت ها و فروشگاه های کامپیوتر را تصرف کرد، به طوریکه محافظه کارترین و پا به سن گذارده ترین کسبه هم نتوانستند در مقابل فشار پیشنهادهای بالای اجاره سرقفلی مغازه شان مقاومت کنند. مقاومت این کسبه خیلی زود از سوی پیشنهادهای بالای ارائه شده که بسیار بالاتر از دخل سنتی آنان بود و هم از سوی نسل جوان همین کسبه که از پدرانشان وضعیت مالی مطلوب تری می خواستند، شکسته شد و بدین ترتیب منطقه تحت سلطه بوتیک ها، طلافروشی ها، و دیگر مغازه های فروش کالاهای لوکس و فانتزی قرار گرفت؛ از سوی دیگر، این منطقه بدل به محلی برای جوانانی که در غیاب فضاهای رسمی برقراری روابط، به دنبال مکانی مناسب که دارای فراوانی جمعیت مناسب و بهانه ای برای حضور در این مکان ها می گشتند، شد. جوانی جمعیت کشور و به تبع، شهر مشهد، به همراه افزایش سن ازدواج به حدود سی سال در پسران و بیست و هفت سال در دختران، موجب شده که جوانان به دنبال راهی برای برقراری رابطه با جنس مخالف و به گونه ای ارضای احساسات جنسی خود باشند.

نتیجه گیری: استفاده از رویکرد فضاهای دو منظوره در سیاست شهری

فضاهای شهری بازتعریف شده می توانند دارای دو کارکرد باشند: در مواردی که اصل استفاده ای که از این فضاها می شود، مورد قبول جامعه یا حکومت باشد (نظیر استفاده به منظور گذاران اوقات فراغت در فضای سبز)، با وجود کمبود بودجه های عمرانی یا فقدان محیط های طبیعی در اطراف شهر، می توان از فضاهای دوکارکردی در طراحی مدد گرفت. به بیان دیگر، می توان با لحاظ کاربری دیگر فضا، آن را به طور مناسب تری که برای هر دو منظور مناسب باشد، طراحی و پیاده سازی کرد. این امر باعث صرفه جویی در بودجه شهر و استفاده بهینه از پتانسیل ها می شود. میادین می توانند عریض تر، دارای فضای سبز مناسب تر و حتی با در نظر گرفتن نکات ایمنی برای شهروندانی که به آن مناطق می روند، ساخته شوند. در واقع بایستی از انتخاب طبیعی مردم برای برنامه ریزی شهری استفاده کرد.

در برخی موارد اگرچه جامعه یا حکومت اصل کاربری مورد استفاده قرار گرفته را قبول ندارد، ولی می توان با کنترل نسبی این فضاها بدون رسمیت بخشی به آنها، از مزایای تخلیه انرژی ها و ارضای نسبی نیازها و غرایز اقلیت سود برد. مورد روابط جنسی از این دست است. جامعه و حکومت روابط به ویژه تفننی در حوزه جنسی را نامطلوب می داند، با این حال به خوبی واقف است که با بالا رفتن سن ازدواج و مجرد بیش از ۱۴ سال پس از بلوغ جوانان، جلوگیری مطلق از ارضای غرایز امری امکان پذیر نیست و حتی ممکن است به صدمات و طغیان های اجتماعی بیانجامد. لذا می توان از چنین مکان هایی با کنترل محسوس در تخلیه نسبی و ارضای نیازها سود برد. شاید انتخاب طبیعی جامعه، در بسیاری موارد همچون طبیعت بهترین الهام دهنده و راهنما برای مدیریت و برنامه ریزی جامعه باشد.

مراجع:

آمارنامه شهر مشهد(۱۳۸۴)، سازمان کامپیوتر شهرداری مشهد

دورکیم، امیل(۱۳۸۱): **درباره تقسیم کار اجتماعی**، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز

رفیع پور، فرامرز(۱۳۷۹): **توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسایل**

اجتماعی آن، تهران، نشر انتشار

رفیع پور، فرامرز(۱۳۶۴): **جامعه روستایی و نیازهای آن: پژوهشی در ۳۲ روستای برگزیده استان**

یزد، تهران، نشر انتشار

مارکس، کارل(۱۳۸۲): **دست نوشته های اقتصادی و فلسفی**، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، نشر آگه

Wikipedia Encyclopedia: "leisure time", Available url in:

<http://www.wikipedia.org>

Abrahamson, Mark(2004): the global cities, oxford, oxford university press

Neulinger, J. (1981). The psychology of leisure (2nd ed.). Springfield, IL:

Chales C. Thomas, Publisher.